



اعراب و امپراتوری‌های پیش از اسلام

مایکل مک دونالد، آلدو کورکیا، تورج دریایی، گرگ فیشر
مت گیبز، آریل لوین، دوناتا ویولانتی، کنور واتلی

ترجمه‌ی مهناز بابایی

اعراب و امپراتوری‌های پیش از اسلام

زیر نظر

گرگ فیشر

مایکل مک‌دونالد، آلدو کورکیا، تورج دریایی، گرگ فیشر،
مت گیبز، آریل لوین، دوناتا ویولانته، کنور واتلی

ترجمه

مهناز بابایی



انتشارات مروارید

عنوان و نام پدیدآور: اعراب و امپراتوری‌ها پیش از اسلام: مجموعه مقالات / زیر نظر گرگ فیشر؛ نویسندگان: مایکل مک‌دونالد... [و دیگران]؛ مترجم مهناز بابایی

مشخصات نشر: تهران: انتشارات مروارید، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۱۴۹ ص.

شابک: 978-964-191-932-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب Arabs and Empires before Islam می‌باشد.

یادداشت: نویسندگان مایکل مک‌دونالد، آلدو کورکیا، تورج دریایی، گرگ فیشر، مت گیبز، آریل لوین، دوناتا ویولانت، کنور واتلی.

موضوع: اعراب - تاریخ - پیش از اسلام - اسناد و مدارک

موضوع: Arabs - History - To 622 - Sources

موضوع: عربستان - تاریخ - ۴۱ - ۹۳۴ ق. - اسناد و مدارک

موضوع: Arabian Peninsula - History - 622-1517 - Sources

موضوع: خاورمیانه - تاریخ - پیش از اسلام - اسناد و مدارک

موضوع: Middle East - History - To 622 - Sources

موضوع: عربستان - آثار تاریخی - Antiquities - Arabian Peninsula

موضوع: خاورمیانه - آثار تاریخی - Antiquities - Middle East

شناسه افزوده: فیشر، گرگ، ۱۹۷۶- م ۱۹۷۶

شناسه افزوده: مک‌دونالد، مایکل ۱۳۵۸- ، مترجم

شناسه افزوده: بابایی، مهناز، ۱۳۵۸- ، مترجم

رده‌بندی کنگره: DS ۳۳۱

رده‌بندی دیویی: ۹۳۹/۳۹

شماره کتابشناسی ملی: ۸۳۳۳۶۷



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵

دفتر: ۰۸۶۶-۰۶۶۴۰۰۴۶-۰۶۶۴۸۴۶۱۲-۰۶۶۴۸۴۰۲۷ فاکس: ۰۶۶۴۸۴۰۲۷ فروشگاه: ۰۶۶۴۶۷۸۴۸

<https://instagram.com/morvaridpub> <https://telegram.me/morvaridpub>

تخفیف و ارسال رایگان: www.morvarid.pub



اعراب و امپراتوری‌ها پیش از اسلام

مجموعه مقالات

زیر نظر گرگ فیشر

مایکل مک‌دونالد، آلدو کورکیا، تورج دریایی، گرگ فیشر، مت گیبز،

آریل لوین، دوناتا ویولانت، کنور واتلی

ترجمه‌ی مهناز بابایی

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

چاپخانه: هوران

تیراژ ۳۳۰

شابک 978-964-191-932-2 ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۹۳۲-۲

۳۷۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه بر ترجمه فارسی.....	۵
پیشگفتار.....	۷
مقدمه.....	۱۱

بخش اول:

از نونیدوس تا سوروس: چشم اندازی بر اساس منابع کتیبه‌ای و ادبی.....	۱۵
کتیبه‌های عربی باستان شمالی.....	۲۰
زبان‌ها و رسم الخط‌های واحه‌ها: دادانی و تیمانی.....	۲۱
کتیبه‌های کوچ‌نشینان.....	۳۰
مثال‌هایی از کتیبه‌های صفائی.....	۳۳
کتیبه‌های باقی مانده به انواع رسم الخط‌های آرامی.....	۳۹
کتیبه‌های نبطی.....	۳۹
هاترا!.....	۴۷
کتیبه‌های سریانی عتیق از ادسا و نواحی همجوار آن.....	۵۵
کتیبه‌های الروافه.....	۶۱
منابع ایرانی در خصوص اعراب در دوران هخامنشی، پارتی و ساسانیان نخستین.....	۷۶

بخش دوم:

۸۷.....	عربستان و اعراب از هرودوت تا دیوکاسیوس
۸۷.....	هرودوت و گزنفون
۹۰.....	آریان و دیودوروس
۹۵.....	آگوستوس، استرابون و عرب‌ها
۹۹.....	تجارت کالاهای لوکس
۱۰۱.....	عهد جدید
۱۰۳.....	تراژان و سپتیموس سوروس
۱۰۶.....	قرن چهارم و پنجم: متحدان و دشمنان
۱۰۷.....	قرن چهارم از کنستانتین تا والنس
۱۰۸.....	آمیانوس و ساراسن‌ها
۱۱۳.....	ملکه ماویا
۱۱۸.....	متحدان عرب، دشمنان عرب
۱۲۱.....	قرن پنجم: تئودوسیوس، بهرام پنجم و لئو
۱۲۶.....	حاصل سخن
۱۲۹.....	فهرست منابع
۱۴۷.....	اعلام

مقدمه بر ترجمه فارسی

بار دیگر بسیار خرسندم تا از خانم مهناز بابایی به سبب ترجمه یکی دیگر از کارهای من (این بار کتاب اعراب و امپراتوری‌های پیش از اسلام، انتشارات آکسفورد، ۲۰۱۵) سپاسگزاری کنم. همچنین از تورج دریایی که مقدمات انتشار ترجمه فارسی را فراهم ساخت، بسیار ممنونم.

منابع موجود از تاریخ اعراب تا پیش از سده ششم میلادی و به‌خصوص دوره منتهی به ظهور اسلام، بسیار اندک و میزان گستردگی آن‌ها نیز اغلب به‌شکلی پراکنده است. در این زمینه منابع رومی اغلب از منظر چادرنشینی به این مردم می‌نگرند، درحالی که رهبران و قبایل عرب در این منابع با بی‌نظمی در حال کوچ از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر بودند. بااین حال، این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا در این زمان بود که شبکه دولت‌های حائل، مردم سرزمین عربستان را از کنترل مستقیم روم و ایران جدا نگه داشته و همچنین قدرت‌های امپراتوری علاقه‌مندی بیشتری به اعراب به‌عنوان متحدان خود و یا دشمنان بالقوه خود پیدا کردند. در این دوره، جوامع عربی وفاداری خود را به قدرت‌های بزرگ در مناطقی همچون الروافه، شمال غربی عربستان سعودی امروزی و یا در پایکولی کردستان نشان دادند.

ترجمه جدیدی از کتیبه‌های معبد الروافه، که توسط مایکل مک‌دونالد ارائه شده، به ما کمک می‌کند تا اهمیتی را که مارکوس اورلیوس و لوسیوس وروس برای عربستان قائل بودند، درک کنیم. به‌علاوه در این کتاب نقش شاهزادگان عرب هاترا و ادسا، مورد توجه است و همچنین خواننده ارزش هزاران سنگ‌نوشته صفائیه را که از دل بیابان‌های میان اردن و سوریه کشف شده‌اند درک می‌کند. همچنین اهمیت رشد روزافزون مسیحیت به‌عنوان نشانه‌ای از اتحاد میان اعراب و رومیان از خلال داستان ماویه، ملکه اعراب در سده چهارم میلادی و همچنین داستان خروج امرکسوس از ایران و پناهندگی او نزد رومیان در اواخر سده پنجم میلادی، مورد بررسی قرار گرفته است.

با گسترش قدرت امپراتوری به مناطقی که تا پیش از آن تحت کنترل دولت شهرهایی نظیر پالمیرا و هاترا قرار داشتند، اعراب بیش از هر زمان دیگری نقش برجسته‌شان را در امور منطقه‌ای بازی کردند و زمینه را برای برقراری اتحادهای بزرگ در قرن ششم و ایجاد موقعیت محوری اعراب و عربستان در قرون بعدی، فراهم کردند.

گرگ فیشر

آگوست ۲۰۲۱

پیشگفتار

نوشته‌ای که پیش رو دارید، کاری جمعی است از محققان تاریخ اعراب و امپراتوری روم و شاهنشاهی ساسانی. اصل کار نوشتن متن را مایکل مک‌دونالد انجام داد و سپس هرکدام از ما به درخواست گِریگ فیشر در حیطه تخصص خود مطالبی به آن افزودیم. کتاب پیش رو در اصل فصلی از کتاب *اعراب و امپراتوری‌ها پیش از اسلام*، چاپ انتشارات آکسفورد است که در ارتباط با روابط اعراب پیش از اسلام با ساسانیان و رومیان است. در گام نخست هدف تنها نوشتن تاریخ اواخر دوره باستان بود اما تصمیم گرفته شد که نقش اعراب در منطقه را از پادشاهی بابل و فتوحات کوروش کبیر در قرن ششم پیش از میلاد آغاز کنیم و تا قرن ششم میلادی که تاریخ اعراب بهتر شناخته شده است را مد نظر قرار دهیم. این نکته بسیار مهم است که دیدی درازمدت (*Longue durée*) به تاریخ اعراب داشته باشیم تا بهتر بدانیم که چگونه این قبایل، که از دوران باستان در حاشیه شهرها و تمدن‌های باستانی زیست می‌کرده‌اند، توانسته‌اند کم‌کم قدرت گیرند و دو امپراتوری / شاهنشاهی روم و ایران را شکست داده و خاورمیانه و شمال آفریقا را در دست گیرند.

مدت‌ها بود که در ایران این دید نادرست برقرار بود که اعراب را به صورت کلی قبایلی «پابره‌نه» و «یورشگر» به شهرها و مردمان همسایه می‌پنداشتند. این دید اشتباه به سبب نوشته‌های متون فتوحات اوایل دوران اسلامی است که در آن‌ها سعی شد غلبه‌ی اعراب بر دو امپراتوری / شاهنشاهی بزرگ جهان اواخر دوره باستان را به صورت یک معجزه جلوه دهند. داستان متون فتوحات این بود که اعراب «پابره‌نه» و «ژنده‌پوش» چگونه ناگهان به خاطر معجزه الهی توانستند حکومت‌های بزرگ جهان باستان را به زانو دریاورند. اما مطالعات در چند دهه اخیر نشان داده اعراب شهرهای مهم و متمدنی داشتند که در همسایگی ایران و روم بوده است. امروزه تعداد کتیبه‌ها و یافته‌های باستانی تمدن اعراب نشان می‌دهد که یک تمدن مهم در تقابل با تمدن ایران و روم در شمال عربستان شکل گرفته بوده و همچنین حضور اعراب در ارتش ایران و روم نه تنها سازمان‌یافته بلکه واقف به نکات ضعف و قدرت این دو ارتش امپراتوری / شاهنشاهی بوده است. اما نظر بیشتر محققان در گذشته به قبایل بدوی عرب در دل عربستان معطوف بوده است که کم‌کم منسجم و سازمان‌یافته شده‌اند و تجارت شبه جزیره عربستان را در دست گرفته‌اند.

خوشبختانه تحقیقات چند سال اخیر در ایران باعث شده است که این دید نادرست درباره اعراب کم‌کم تغییر یابد. کتاب خانم دکتر مهناز بابایی (ساسانیان و اعراب) که جز آن این نوشته و پیش‌تر کتاب مهم باورساک و فیشر درباره اعراب را ترجمه کرده است، نگاه نوینی نسبت به این تمدن مهم جنوب فلات ایران به ما داده و با این کتب جدید می‌توانیم قضاوتی روشن‌تر و بهتر از طلوع قدرت اعراب در منطقه داشته باشیم. همچنین این مطالعه نشان‌دهنده پیشینه اعرابی است که امروزه شهروند ایران مدرن هستند. امیدوارم که دید ما نسبت به همسایگان تغییر یابد و تنها با تحقیق

و نوشتن و خواندن می‌شود به دیدهای غلط پایان داد. باید به یاد داشت که اعراب در سه ارتش شاهنشاهی بزرگ ایران باستان یعنی هخامنشی و اشکانی و ساسانی خدمت کردند و باعث پیروزی‌ها و پیشرفت و کنترل خلیج فارس توسط ایران شدند. ما باید دیدی نوین به گذشته خود و همسایگانمان داشته باشیم تا آینده‌ای سالم‌تر و در تعامل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های همسایه داشته باشیم. این گونه است که ایرانی سالم‌تر و سربلندتر خواهیم داشت. در پایان از خانم دکتر مهناز بابایی برای ترجمه این متن تشکر می‌کنم. همچنین از آقای سجاد امیری باوندپور جهت بازنگری متن کتیبه‌ها و خانم بهناز امانی جهت استخراج فهرست منابع این کتاب تشکر می‌کنم.

تورج دریایی

اروین - کالیفرنیا

تابستان ۱۴۰۰

مقدمه

کتاب حاضر به بررسی مجموعه‌ای از منابع در خصوص اعراب از دوره فتح پادشاهی بابل توسط کوروش بزرگ تا پایان قرن پنجم میلادی می‌پردازد. این منابع بیانگر تنوعی بسیار زیاد در مورد معنای اصطلاحات «عرب» و «عربستان» و پیچیدگی در رابطه میان رومیان و پارسیان و مردمانی که آن‌ها را «عرب» می‌نامند است. مطالب این کتاب به دو بخش تقسیم شده است؛ نخست بحث در مورد کتیبه‌های عربستان شمالی و امپراتوری هخامنشیان، ویرایشی جدید از کتیبه‌های الرُوافه در عربستان سعودی و ارائه برگزیده‌ای از آثار نویسندگان یونانی - رومی در دوره‌های کلاسیک، هلنی، سلوکی، جمهوری رومیان و اوایل امپراتوری روم. این بخش همچنین به‌طور خلاصه شواهد بسیار ناچیز موجود در خصوص رابطه بین عرب‌ها و اشکانیان و سال‌های اولیه شاهنشاهی ساسانیان را ارزیابی می‌کند. بخش دوم بیشتر مربوط به منابع ادبی سده‌های چهارم و پنجم میلادی است که توسط نویسندگان یونانی، لاتین و سریانی نوشته شده است. این تقسیم‌بندی دوگانه منعکس‌کننده چندین تحول مهم است که روابط بین عرب‌ها و امپراتوری‌های روم و ایران را تغییر داده است.

این تغییرات شامل ظهور سلسله ساسانیان در ایران پس از سال ۲۲۲ میلادی، پذیرش مسیحیت توسط کنستانتین در اوایل قرن چهارم و برجیده شدن تدریجی شبکه شاهکان خودمختار متحد رومیان در شرق بود که به آرامی انتخاب‌های سیاسی (و مذهبی) را برای کسانی که در مرزهای بین دو ابرقدرت اواخر عهد باستان می‌زیستند، محدود می‌کرد. ترکیبی از این وقایع مختلف به تشدید سطح ارتباط رومیان، پارسیان و عرب‌ها کمک کرد و باعث شد تا این افراد، همراه با سایر مردم مرزنشین، پس از قرن سوم میلادی، نقش مهم‌تری در رقابت بین روم و ایران ایفا کنند.

بخش اول

از نبونیدوس تا سوروس: چشم‌اندازی بر اساس منابع کتیبه‌ای و ادبی

منابع ادبی مربوط به شرق نزدیک در دوره‌های هخامنشی، اشکانی، ساسانی، هلنی و رومی تقریباً به‌طور کامل توسط نویسندگان «خارجی» نوشته شده است. این منابع اغلب به «عرب‌ها» و «عربستان» اشاره می‌کنند، اما همچنان اصطلاح «عرب» به‌ندرت در کتیبه‌های سامی این دوره یافت می‌شود.^۱ این اصطلاحات در کتیبه‌های عربی باستان شمالی، نبطی یا پالمیری وجود ندارد و فقط در دو مفهوم کاملاً خاص در متون تدمری (پالمیری) و سریانی عتیق وجود دارد. این گزاره لزوماً به این معنا نیست که نویسندگان یا سفارش‌دهندگان کتیبه‌های عربی شمالی، یعنی نبطی و پالمیری، از افرادی که «عرب» نامیده می‌شوند بی‌اطلاع بوده‌اند (چه رسد به این‌که این مردم وجود نداشته باشند) بلکه صرفاً بیانگر این است که اشاره به این افراد در ارتباط با موضوع متون باقی‌مانده نبوده و یا این کتیبه‌ها به روش‌های دیگری از جمله وابستگی‌های قبیله‌ای به آن‌ها ارجاع داده‌اند. به‌عنوان مثال، سند شماره ۱-۱ (بنگرید به ادامه) به «پادشاه تنوخ» اشاره دارد بدون این‌که لازم باشد او را «عرب» بنامد. برخی از کتیبه‌ها ممکن است توسط افرادی نوشته شده باشد که اشاره به خود داشته‌اند، یا دیگران آن‌ها را «عرب» توصیف کرده باشند، اما نیازی به استفاده از این توصیف در کتیبه‌ای که آن را می‌نوشتند نبوده است. به‌عنوان مثال،

۱ برای فهرستی از چنین انتساب‌هایی بنگرید به:

یوسیفوس به شکل معمول (و دیگر نویسندگان یونانی-رومی به شکلی پراکنده) نبطیان را «عرب» و قلمرو پادشاهی آن‌ها را «عربستان» می‌نامیدند. باین حال، این اصطلاحات در هیچ یک از تقریباً پنج هزار کتیبه نبطی مکشوفه وجود ندارد و درواقع هیچ فردی به جز یک مورد آن هم به شکل عنوان «پادشاه نبطیه» (*mlk nbṭw*) در این کتیبه‌ها «نبطی» نامیده نشده است.^۱ تنها در متون خارج از پادشاهی نبطی و در متن‌های دیگر است که تعداد انگشت‌شماری از افراد خود را به عنوان «نبطی» معرفی می‌کنند.^۲ چنین پدیده‌ای کاملاً طبیعی است زیرا معمولاً تنها هنگام حضور در خارج از کشور خودی است که لازم است هویت قومی فرد مشخص شود. اغلب فرض بر این بوده است که جمعیت ساکن در پالمیرا «عرب» بوده و بنابراین ممکن است تصور شود که این قلمرو نمونه‌ای ایده‌آل از «اعراب بین روم و ایران» را ارائه می‌دهد. باین حال، برخلاف نبطیان، هیچ نویسنده یونانی یا رومی، از مردمان پالمیرا به عنوان «عرب» یاد نمی‌کند و استدلال‌هایی که در مورد آن‌ها در این خصوص مطرح شده، بر اساس پیش‌فرض‌های نادرست است.^۳ البته این به آن معنا نیست که هیچ یک از

۱. این کتیبه از جمله متون موجود در نقوش جبل ام جذایذ در شمال غربی عربستان است. بنگرید به: al-Dhīyib 2002, no. 77

ناشر کتیبه متن آن را چنین قرائت کرده است:

lht' mškw nbṭy' šlm mn qdm mntw

که ترجمه آن چنین است: «باشد که Msk نبطی در سایه الهه منات حفظ شود». من از لیلی نعمه بسیار سپاسگزارم که توجه مرا به این کتیبه جلب کرد.

۲. برای فهرست و بحث درخصوص چنین متونی بنگرید به:

Macdonald et al. 1996: 444-9

جالب‌ترین آن‌ها یک وقف‌نامه پالمیری (CIS ii, شماره ۳۹۷۳) است که تاریخ آن به سال ۱۳۲ میلادی است، یعنی بیست و شش سال پس از آن‌که رومیان پادشاهی نبطی را ضمیمه امپراتوری خود کرده و «استان عربستان» را تأسیس کردند. در این‌جا نویسنده نام و شجره‌نامه خود را آورده و سپس خود را به شکل *nbṭy'rwṭy'* (یک نبطی از قبیله روحو) معرفی کرده است.

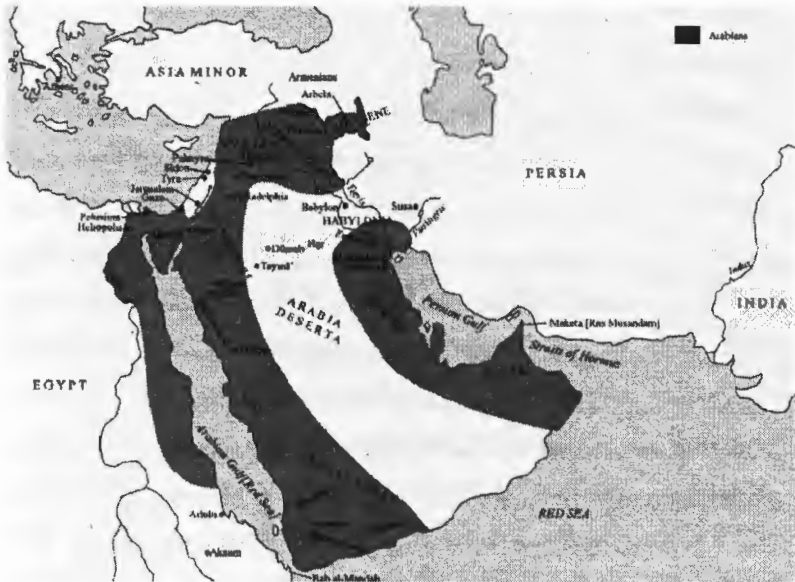
۳. بنگرید به ارزیابی بسیار دقیق زیر:

Yon 2002: 87-97

باین حال، این متون باید همراه با انتقاداتی بر فرضیه‌هایی که بر اساس آن‌ها ریشه‌شناسی نام‌های

افرادی که خود را عرب می‌پنداشتند و یا دیگران آن‌ها را چنین می‌دانستند، در بافت جمعیتی پالمیرا وجود نداشته است، بلکه این موضوع ناشی از آن است که همچنان هیچ مدرک محکمی برای حضور مردم «عرب» در میان جمعیت پالمیرا در دست نداریم. دهه‌هاست که در مورد معنای اصطلاح «عرب» در دوران باستان بحث و گفتگو می‌شود. یکی از دلایل این بحث‌های طولانی، جستجوی یک تعریف واحد بوده است که می‌تواند در تمام ارجاعات بی‌شمار به «عرب‌ها» و «عربستان» در منابع باستانی اعمال شود. همان‌طور که در بالا ذکر شد، اکثریت قریب به اتفاق این منابع، توسط نویسندگانی که از خارج به شرق نزدیک باستان نگاه می‌کردند نوشته شده است. علاوه‌براین، هنگامی که یکی از این منابع گروهی از مردم را «عرب» یا محل زندگی آن‌ها را «عربستان» خوانده است، به این نکته توجهی نشان نداده که همین نام‌ها به مردمی دیگر و یا اماکنی دیگر اطلاق شده است و آیا ارتباط احتمالی بین آن‌ها وجود داشته است یا خیر. بنابراین، با پایان دوره هلنی، جمعیت زیادی از جمعیت در شرق مصر و سراسر هلال حاصلخیز تا خلیج فارس، در حاشیه شبه‌جزیره و حتی در ایران مرکزی، به‌عنوان «عرب» و وطن آن‌ها به‌عنوان «عربستان» نامیده شدند. درواقع، فقط در اوایل سده نخست میلادی بود که آنچه ما به‌عنوان «شبه‌جزیره عربستان» می‌خوانیم توسط ناظران خارجی به‌عنوان «عربستان» شناخته شد، درحالی‌که در همان زمان، چندین ناحیه دیگر با نام «عربستان» در مصر و هلال حاصلخیز وجود داشته است. زمانی که پمپئو به مبارزات طولانی مدت رومیان علیه تیگرانس و مهرداد ششم پونتوس خاتمه داد، نویسندگان یونانی-رومی چندین «عربستان» را که «عرب‌ها» در آن زندگی می‌کردند، می‌شناختند (تصویر شماره ۱).

هنگامی که رومیان در سال ۱۱ میلادی پادشاهی نبطیه را ضمیمه امپراتوری کردند و آن را «استان عربستان» نامیدند، ساکنان این استان فارغ از این که متعلق به چه قومی بودند، «عرب» نامیده شدند و این خود بر پیچیدگی موضوع افزوده است.^۱



تصویر ۱-۱. توزیع جمعیتی مردمی که در زمان تسخیر سوریه توسط پمپی در ۶۳ سال پیش از میلاد به عنوان «عرب» توصیف شده‌اند. نقشه توسط آرون استیبا ترسیم شده است.

ما نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم آیا هیچ‌یک از ساکنان شبه‌جزیره این سرزمین را با نام کلی «عربستان» تصور می‌کردند یا خیر، اما به نظر می‌رسد چنین فرضی محال بوده است. بعید است چنین مفهوم عظیم ژئوپلیتیکی برای مردمی که در گروه‌های نسبتاً کوچکی در آن سرزمین زندگی می‌کردند

^۱ در این خصوص بنگرید به:

Macdonald 2003a, 2009a, V; 2009b; see also Macdonald and Nebes n.d.

و از اختلافات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بین خود آگاهی داشتند، قابل درک بوده باشد. مطمئناً می‌دانیم ساکنان سرزمین یمن فعلی (که نویسندگان یونانی و رومی آن را عربستان خوشبخت می‌نامیدند) تمایز واضحی بین خود و «اعراب» قائل می‌شدند و تا آن‌جا که می‌دانیم، آن‌ها خود را «عرب» نمی‌دانستند؛ تا زمانی که چنین انتسابی در اوایل دوره اسلامی از نظر سیاسی برای آن‌ها سودمند شد. با این حال، صرف نظر از آن‌که آن‌ها خود را چه می‌خواندند، در مناطق تحت کنترل امپراتوری‌های بزرگ هخامنشی، اشکانی و ساسانی و سلوکی و بطلمیوسی و رومیان و ملوک سبائی، مردم سرزمین حمیر تعداد زیادی کتیبه برای ما برجای گذاشته‌اند که تنها اسنادی است که ما از دید داخلی ساکنان این مناطق در این دوران در دست داریم. برخلاف منابع ادبی، این کتیبه‌ها نه به‌عنوان توصیفات تاریخی، جغرافیایی و قومی، بلکه به‌عنوان متون مقدس، قانونی، مذهبی یا تدفینی و دیوارنوشته‌هایی هستند که در هنگام نوشتن به موضوع زندگی و مرگ می‌پردازند و منعکس‌کننده دیدگاه ناظران خارجی و دوردست در خصوص تاریخ و جغرافیای این منطقه نیستند. در نتیجه ما ناچاریم در مورد این منابع متنوع سؤالات گوناگونی را مطرح سازیم. این منابع گرچه در مواردی مکمل یکدیگرند اما گسست‌هایی گسترده و عمیق میان آن‌ها وجود دارد. در ادامه نمونه‌هایی از کتیبه‌های عربی باستان شمالی (نبطی، تدمری و سریانی عتیق) ارائه شده است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، از دیدگاه منابع همزمان، مردمان پالمیرا، عرب محسوب نمی‌شدند و به این سبب کتیبه‌های پالمیرا در این مجموعه جای نگرفته است.^۱

۱. در خصوص کلمات یونانی وجود یک نقطه زیر یک کلمه نشان‌دهنده عدم قطعیت در قرائت است. همین موضوع در متون سامی با علامت { } نشان داده شده است. اضافات ویرایشی میان علامت < نشان داده می‌شود. ترمیم حروف افتاده در کتیبه‌ها را با یک حرف یا چند حرف درون [] نشان می‌دهیم و علامت ---- بیانگر بخش نابودشده کتیبه است که قابل خواندن نیست. تقسیم‌کننده کلمات با علامت / نشان داده می‌شود. ترجمه‌ها از نویسندگان این کتاب است، مگر این‌که مورد دیگری ذکر شده باشد.